

## نقش ترکیه در توسعه پان ترکیسم و تاثیر آن بر امنیت سیاسی جمهوری اسلامی ایران

علی فاطمی نسب<sup>۱</sup>، سیدجلال حسینی<sup>۲</sup>

### چکیده

سیمای فرهنگی قوم محوری ترکیه بیشتر توجه‌اش به ایجاد یک هویت سیاسی از طریق متحد کردن ترک زبان‌های منطقه است که در قالب تئوری پان ترکیسم قابل تفسیر است. به عبارتی پان ترکیسم یک الگو و یا آرمان فرهنگی است که نتیجه آن به یک عقیده سیاسی منجر می‌شود که مبتنی بر اتحاد کلیه اقوام و ملل ترک نژاد آسیای مرکزی و قفقاز است. ترکیه می‌کوشد با دادن شعارهای پان ترکیستی علیه آندسته از کشورهایی که دارای اقوام ترک زبان هستند بعنوان یک اهرم فشار استفاده نموده که ایران از این قاعده مستثنی نیست بویژه اینکه ترکیه مرز طولانی و قابل توجهی با استان‌های آذری‌نشین ایران دارد. از طرفی جمهوری آذربایجان با حمایت ترکیه با طرح این شعار سعی دارد فشار مضاعفی بر ایران وارد کرده تا اولاً قدرت مانور ایران را کم کند، ثانیاً امتیاز متقابلی بدست آورد. این مقاله به روش توصیفی و تحلیلی انجام شده و به دنبال بررسی نقش ترکیه در توسعه این اندیشه می‌باشد.

**کلید واژه‌ها:** پان ترکیسم، ایران، ترکیه، همگرایی، امنیت سیاسی

۱- کارشناس ارشد مطالعات راهبردی

۲- دکترای علوم سیاسی، گرایش اندیشه سیاسی، دانشگاه شهید محلاتی قم

**مقدمه**

ترکیه یکی از مهم‌ترین و تاثیرگذارترین کشورهای منطقه‌ای خاورمیانه بوده، که به لحاظ ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک از موقعیت برجسته‌ای در اتصال آسیا-اروپا برخوردار است. ایران بدلیل دارا بودن ظرفیت‌های بالا، از جمله پیوندهای تاریخی، قومی، زبانی، مذهبی، قرابت سرزمینی و وجود مرز مشترک خاکی می‌تواند زمینه‌های همکاری و برقراری روابط در ابعاد مختلف را بطور گسترده با کشور ترکیه داشته باشد. اما ترکیه که ۷۰ سال شعار پان‌ترکیسم را مسکوت گذاشته، یک باره جهت گسترش و نفوذ در آسیای مرکزی و قفقاز همچنین تضعیف ایران در این مناطق، دوباره این شعار را مطرح کرده و تبلیغاتی را در آذربایجان ایران در پیش گرفت که باعث نگرانی ایران شد، و اعضای کنسول‌گری ترکیه در تبریز به عنوان عناصر نامطلوب معرفی شدند و احضار آن‌ها از دولت ترکیه درخواست شد. (احمدی، ۱۳۸۳: ۳۶۵)

تحولات بعد از پایان جنگ سرد و فروپاشی اتحاد شوروی و تاسیس جمهوری‌های ترک نشین در آسیای مرکزی و قفقاز بار دیگر اشتباهی ملی‌گرایان ترک را برای تاسیس امپراتوری توران تحریک کرده است. چنانچه تورگوت اوزال، ترکیه معتقد بود «ترکیه باید به خوبی نقش عثمانی‌ها را در منطقه ایفا کند و گرنه بزرگ‌ترین اشتباه تاریخی خود را مرتکب شده است، چرا که شرایط کنونی منطقه به ترکیه اجازه می‌دهد تا اهمیت خود را بازیابد». به نظر می‌رسد برداشت ترکیه در قبال منطقه از سال ۱۹۹۱ به بعد از دو گرایش همبستگی اسلامی و ترکی تاثیر پذیرفته، ضمن اینکه تلاش در جهت محدود ساختن نفوذ روسیه و ایران در منطقه بخشی از این سیاست بوده است. طراح این سیاست (تورگوت اوزال) استراتژی خود را حضور ترکیه در تمامی عرصه‌های سیاسی جهان، از دریای آدریاتیک گرفته تا دیوار چین عنوان می‌کرد. اگر چه این سیاست به مثابه احیای نفوذ عثمانیسم یا پان‌ترکیسم، مورد حمله شدید قرار گرفت، اما توانست به ویژه در منطقه دریای سیاه و آسیای مرکزی از نفوذ اقتصادی صرف فراتر رفته و رسالت صدور فرهنگ و تمدن به سرزمین برادران کوچک تر را وجهه نظر خود قرار دهد. محور این سیاست پرهزینه، حضور قدرتمند اقتصادی پیرامون مرزهای خویش به منظور ایجاد ثبات در منطقه و ارائه یک مدل لائیک از کشورهای اسلامی با ویژگی‌های دموکراتیک، غرب‌گرا، لائیک و اقتصاد مبتنی بر بازار بود. این مدل باید توانایی رقابت ایدئولوژیک با ایران و رویارویی سیاسی با روسیه را داشته باشد. در واقع هدف ترکیه به وجود آوردن یک منطقه ترک زبان است تا برای مدتی طولانی رهبری خود را بر گروهی از کشورهای ترک زبان حفظ کند و بر ذخایر عظیم منطقه دسترسی داشته باشد. آنکارا از هر اقدامی که در سیاست پان‌ترکیسم و تلاش

های توسعه طلبانه او ایجاد مانع کند، اجتناب می‌ورزد. از طرفی تلاش‌های ترکیه برای گسترش نفوذش در منطقه آسیای مرکزی و قفقاز با شک و تردیدهایی از جانب روسیه، ایران، چین و برخی از کشورهای غربی مواجه است. ترکیه دارای پیوندهای تاریخی و فرهنگی با منطقه آسیای مرکزی و قفقاز بوده و اغلب جمهوری‌های ترک نشین، به ترکیه به عنوان الگویی برای رشد اقتصادی خود می‌نگرند، به طوری که رئیس‌جمهوری قرقیزستان گفته است: «ترکیه ستاره است که راه کشورهای ترک زبان را نشان می‌دهد».

به رغم اینکه کشورهای غربی مشوق و مبلغ سیاست‌های ترکیه در منطقه آسیای مرکزی و قفقاز بوده و سعی دارند ترکیه را به عنوان الگو و مدل اقتصادی و فرهنگی برای جمهوری‌های تازه استقلال یافته معرفی کنند، ولی احتمالاً اندیشه پان‌ترکیسم و اقدام‌های ترکیه تا زمانی مورد تایید غرب قرار می‌گیرد که تنها نقش بازدارنده نفوذ عقیدتی - سیاسی ایران و گرایش‌های افراطی گونه روس‌ها را داشته باشد. در صورتی که مقاصد و سیاست‌های ترکیه به عنوان یک کشور صاحب هویت فرهنگی و مستقل مطرح شود بی‌گمان با واکنش منفی و بازدارنده غرب مواجه خواهد شد. (کاظمی، ۱۳۸۵: ۱۹)

هر چند تجانس فرهنگی و زبانی ترکیه با بخش‌هایی از جمهوری اسلامی ایران در کنار تمایل اکثریت این جمهوری به دین اسلام زمینه مناسبی برای همگرایی و در نتیجه توسعه همکاری و بهبود را فراهم می‌کند ولی تاکنون این روابط و همکاری به آن اندازه لازم و ایده آل توسعه پیدا نکرده و همواره دستخوش فراز و نشیب‌هایی بوده، لذا بررسی علل و عوامل کندی در روابط، امری ضروری به نظر می‌رسد. با توجه به این که یکی از موانع همگرایی بین ایران و ترکیه مسئله پان‌ترکیسم بوده و خاستگاه آن کشور ترکیه میباشد این سوال مطرح می‌شود که:

پدیده پان‌ترکیسم چیست؟ و چگونه بر امنیت سیاسی جمهوری اسلامی ایران تاثیر دارد؟ و چرا از سوی ترکیه دامن زده میشود؟ در ابتدا جهت پاسخ به سوالات، تعریفی از مفاهیم و اصطلاحات بیان کرده و سپس پان‌ترکیسم و عوامل موثر بر امنیت سیاسی را مورد بررسی قرار داده و در نهایت در نتیجه گیری می‌پردازیم. پژوهش حاضر از نظر روش‌شناسی توصیفی - تحلیلی و به لحاظ نحوه گردآوری داده‌های مورد نیاز، کتابخانه‌ای و اسنادی است.

### چارچوب نظری تحقیق

#### ۱- تبیین پان‌ترکیسم

پان‌ترکیسم ایدئولوژی ملی اقوام ترک است که پیش از آغاز جنگ جهانی اول ایدئولوژی دولتی در ترکیه اعلام شد و هدفش گردآوری همه اقوام پراکنده ترک از اروپای غربی تا خاور دور و از چین تا اقیانوس منجمد شمالی تحت حکومت واحد بود. (فلاح، ۱۳۸۵: ۱۷)

پان‌ترکیسم پدیده‌ای ناسیونالیستی است که پس از فروپاشی اتحاد شوروی و استقلال جمهوری‌های ترک زبان تقویت شده و به جریان تهدید کننده در کشورهای تبدیل شده که دارای اقلیت ترک زبان هستند. این جریان از سوی محافل افراطی ترکیه هدایت و سمت‌گیری می‌شود. ترکیه با توجه سابقه‌ای که در زمینه تقویت و تبلیغ ایده پان‌ترکیسم از اواخر دوره امپراطوری عثمانی و آغاز تاسیس جمهوری ترکیه تا کنون دارد از این جریان برای گسترش نفوذ مادی و معنوی خود در منطقه بویژه منطقه قفقاز بهره می‌گیرد (امیر احمدیان، ۱۳۸۴: ۳۸۷).

#### ۲- امنیت

ریشه لغوی امنیت عربی است و تعاریف گوناگونی که تقریباً معنای یکسانی را می‌رساند از آن به عمل آمده است. در فرهنگ عمید به معنای در امان بودن، ایمنی، بی‌ترس، آرامش و آسودگی معنی شده است (عمید، ۱۳۶۰: ۳۹۹).

در فرهنگ لغات فارسی معین به معنای، ایمنی شدن، در امان بودن و بی‌بیمی معنی شده است. (معین، ۱۳۶۰: ۱۵۷)

در دانشنامه سیاسی آمده است امنیت در لغت حالت فراغت از هر گونه تهدید یا حمله و یا آمادگی برای رویارویی با هر تهدید را حمله گویند (آشوری، ۱۳۷۰: ۳۸).

#### ۳- امنیت سیاسی

امنیت سیاسی یکی از مولفه‌های امنیت ملی است. و به مفهوم آن است که تهدیدی علیه آزادی‌های سیاسی احزاب، ساختارهای سیاسی، فعالان سیاسی، مسئولین حکومتی و روند مطلوب و اثربخشی اداره امور داخلی و خارجی کشور وجود نداشته باشد. بدیهی است امنیت سیاسی در هر کشوری با روند فزاینده توسعه سیاسی آن رابطه مستقیم دارد. به اعتقاد صاحب‌نظران، مواردی از قبیل، عبور موفقیت آمیز کشور از بحران‌های مدیریت، حاکمیت، استقلال سیاسی، ثبات سیاسی، یکپارچگی، هویت، قدرت موثر، توزیع منطقی قدرت و نیز تقلیل شکاف بین سیاست‌های اعلام شده، ایجاد سازش بین اهداف متضاد، برخورداری زیر سیستم‌های سیاسی از استقلال نسبی، توسعه آگاهی‌های سیاسی مردم، برخورداری حکومت از حمایت ملی و اعتبار جهانی، رهبری قوی، دیپلماسی پویا و انعطاف‌پذیری نظام سیاسی در برابر شرایط متغیر داخلی

و بین‌المللی برای تامین منافع ملی، در مجموع شاخص‌هایی هستند که چنانچه احراز شوند بعد امنیت سیاسی را در یک کشور به طور نسبی تحقق می‌بخشد (تهامی، ۱۳۸۲: ۷۷).

امنیت سیاسی یعنی امکان اظهار نظر افراد، پیرامون چگونگی اداره امور جامعه و شرکت در این گونه امور بدون احساس بیم و هراس و خط و تهدید (بخشی پور، ۱۳۸۹: ۱۱).

#### ۴- همگرایی

همگرایی واژه‌ای است که در برابر واگرایی مطرح می‌شود و عبارت است از فرآیندی که دولت‌ها یا واحدهای سیاسی مجزا از هم به طور داوطلبانه و آگاهانه قسمتی از اقتدار خود و اعمال آن، جهت دستیابی به اهداف مشترکشان صرف نظر کرده و از یک قدرت ما فوق ملی تبعیت می‌نمایند. در همگرایی تلاش بر این است که از عوامل اختلاف در زمینه‌های ناسیونالیستی همچون وفاداری‌های ملی و احساسات ملی‌گرایی، پایبندی به منافع جمعی و مشترک کاسته شود و از طریق شروع و گسترش همکاری فنی و تکنیکی، اقتصادی و تجاری، عقیدتی و فرهنگی و حتی سیاسی به ایجاد صلح و آرامش در یک منطقه یا جهان کمک نمود (آشوری، ۱۳۷۰: ۴۹).

مانند بسیاری دیگر از نظریه‌های معاصر روابط بین‌الملل، نظریه همگرایی، هم یک تئوری نسبتاً جدید و هم حاکی از نحوه نگرش نسبت به یک مساله کهن و قدیمی می‌باشد، که از زمان پیدایش سیستم کشوری مطرح بوده است. این نظریه در واقع یک واکنش نارضایت‌مندانه و اظهار عدم تمایلی است نسبت به این سیستم جدید کشوری، چرا که چنین سیستمی در بطن خود ایجادکننده تعارضات و کشمکش‌ها می‌باشد. بنابراین ریشه‌های نظریه همگرایی حاکی از دو مساله است، اول: همان‌طوری که گفته شد، این نظریه نگرشی است نسبت به یک مساله قدیمی، دوم: نو بودن مطلب است که بحث‌های علمی و جدیدی را در حول و حوش این نظریه، به ویژه در دو سه دهه اخیر مطرح نموده است. به بیان دیگر این نظریه علیرغم قدیمی بودنش به صورت علمی پس از جنگ جهانی دوم به تجزیه و تحلیل بخشی از مسایل روابط بین‌الملل و سیاست‌های منطقه‌ای پرداخته است، اما به سبب آن که هنوز بعضی از پارامترهای اصلی آن و همچنین متغیرهای مستقل و وابسته آن از یکدیگر متمایز نشده‌اند هنوز بحث‌های زیادی در مورد آن وجود دارد. (طیبیان، ۱۳۶۲: ۸۹)

همگرایی عبارتست از گرایش به سوی ایجاد دواطلبانه واحدهای سیاسی بزرگتری که هر یک از این واحدها به شکل خودآگاهانه‌ای از استفاده و بکارگیری زور در روابط خود با یکدیگر اجتناب می‌ورزند (مهری، ۱۳۸۰: ۱۳)

## واگرایی

به عدم ترغیب واحدهای سیاسی به همکاری و اشتراک مساعی در عرصه سیاست بین‌الملل گفته می‌شود که موجب دوری از یکدیگر و فراهم آوردن زمینه‌های بحران و جنگ می‌گردد (علی بابایی، ۱۳۸۲: ۵۹۸).

### نیروهای همگرا و واگرا در ایران

نیروهای‌های همگرا و واگرا در تعیین چگونگی ترکیب و انسجام ملت ایران نقش عمده‌ای دارند و مطالعه آن‌ها از اهمیت خاصی برخوردار است. برخی از نیروها نقش نسبتاً ثابتی در فرآیندهای همگرایی یا واگرایی دارند و برخی دیگر تحت شرایطی قابل هدایتند و امکان تحول در کارکردهای آن‌ها وجود دارد. بنابراین می‌توان آن‌ها را در مسیر تحقق هر یک از فرآیندهای همگرایی و واگرایی - بسته به انگیزه سیاسی و کاربردی مورد نیاز - به کار گرفت، مثلاً دولت مرکزی ایران می‌تواند این نیروها را برای توسعه همگرایی و وحدت ملی به کار گیرد و بالعکس، نیروهای مداخله‌گر و ضد وحدت ملی می‌توانند با دادن کارکرد متفاوت به همان نیروها، هدف واگرایی و تجزیه ملی را تحقق بخشند (حافظ نیا، ۱۳۸۱: ۱۸۳).

الف): نیروهای واگرا

نیروهای ثابت و متغیر موثر بر واگرایی ملی عبارتند از:

۱- ترکیب نامتوازن و نامتجانس ملی. هر چند ساختار ملت ایران از هسته و بخش مرکزی قوی با اکثریت بالای هفتاد درصدی برخوردار است، وجود اقلیت‌های فضایی عمده و وضعیت خاص استقرار آن‌ها در فضای جغرافیای ایران، بر واگرایی پاره‌های ملت از یکدیگر تاثیر می‌گذارد. استقرار اقلیت‌ها در بخش حاشیه‌ای کشور و در مجاورت دنباله‌های فرامرزی - برخوردار از دولت مستقل ملی و یا فاقد آن - ضریب آسیب‌پذیری دولت ملی و سرزمین ایران را بالا برده است، لکن این عامل واگرایی، تحت شرایط خاص، قابل کنترل است و دولت مرکزی می‌تواند نقش و کارکرد آن را با تدابیر ویژه‌ای تغییر دهد و در مسیر اتحاد ملی زیر عنوان ایران و ایرانی یا ایران اسلامی از آن بهره‌گیرد.

۲- ساختار توپوگرافیک ایران. چشم‌انداز توپوگرافیک ایران بر خلاف نمای کلی یکپارچه آن در چهارچوب کلان فلات ایران، ساختار گسیخته‌ای از لحاظ ویژگی‌های طبیعی و جغرافیایی درون فلات دارد.

۳- بی‌توانی در مشارکت ملی اقلیتها. یکی از موثرترین عوامل منسجم‌کننده ساختار ترکیبی ملت، مشارکت متوازن اقوام و اجزای ملت در سرنوشت و امور ملی کشور است. حضور گروه‌ها و اقوام مختلف به نسبت سهمی که در جمعیت کل کشور دارند،

در پایتخت ملی و تصرف پایگاه‌ها و مسوولیت‌های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، نظامی و امنیتی جامعه، همچنین بهره‌مندی متناسب با سهم هر یک از منابع مشاع و مشترک ملی، نظیر بودجه عمومی، نقشی مثبت در توسعه فضای جمعیت، اعتماد، همبستگی و همدلی ملی دارد (حافظ نیا، ۱۳۸۱: ۸۵).

ب): نیروهای همگرا

نیروها و عوامل همگرایی و تقویت کننده همبستگی و اتحاد ملی عبارتند از:

۱- اشتراک در لایه‌های مختلف خصیصه‌های بخش مرکزی: همان طور که قبلا ذکر شد بخش مرکزی که بدنه اصلی و اکثریت ملت ایران را تشکیل می‌دهد، ترکیبی از لایه های قومی، مذهبی، فرهنگی، نژادی و فضایی همسو و همگراست. این امر به طور طبیعی باعث افزایش همگرایی و یکپارچگی ملی در بین اکثریت ملت ایران می‌شود.

۲- ریشه تاریخی مشترک: کشور ایران دارای ریشه تاریخی عمیقی است. دولت و نظامی سیاسی در این کشور حدود ۲۸۰۰ سال سابقه حکومت دارد. فضای جغرافیایی و قلمرو ملت و حکومت ایران در گذشته از آنچه که امروزه به نام ایران شناخته می‌شود وسیع تر بوده و اجزای ملت جملگی در قالب یک واحد سیاسی - فضایی و تحت اداره یک حکومت مشترک هویت مستقل و بارزی داشته‌اند و این مجموعه ایران نامیده می‌شده است.

۳- فرهنگ مشترک ملی: فرهنگ ایرانی محصول عملکرد تاریخی و بلند مدت نیروهای فرهنگ‌ساز ملت ایران در قلمرو جغرافیای گسترده آن است. فرهنگ فراگیر ایرانی که در محدوده‌های فضایی کوچکتر اجزا و خرده فرهنگ‌هایی را نیز در بردارد. در صورتی که این وجوه مشترک فرهنگی تقویت شوند، نقش تعیین کننده و موثر در تحکیم همبستگی و وحدت ملی خواهند داشت.

۴- دین و مذهب: دین اسلام وجه مشترک بیش از ۹۹ درصد جمعیت ایران است و مذهب شیعه نیز عامل اشتراک میان بیش از ۹۵ درصد ملت ایران است. با توجه به نقش بنیادین دین و مذهب در باورها، اعتقادات، رفتارها و کردارهای مردم، این دو به منزله عوامل همگرایی و وحدت ملی شناخته می‌شوند (حافظ نیا، ۱۳۸۱: ۱۸۳).

۵- آرمان سیاسی مشترک: ملت ایران، بویژه در یک قرن اخیر و پس از یافتن نقش سیاسی، آرمان سیاسی داشته و این آرمان مشترک، عامل همگرایی اقشار و گروه‌های مختلف ملت بوده است.

۶- نمادهای ملی: نمادها، تجلی عینی و فیزیکی هویت ملی اند. تاسیس، تعمیق، و نهادینه شدن نمادها احساس مشترک ملی را در افراد ملت به وجود می‌آورد و زنده نگه می‌دارد. کارکرد دیگر نمادها، متمایز ساختن ملت‌ها از یکدیگر است، نمادها به صورت غیر مستقیم حس ناسیونالیسم و همبستگی ملی را تقویت و ملت را به جدایی

گزیدن از دیگران ترغیب می‌کنند.

۷- اقتدار حکومت مرکزی: اقتدار حکومت مرکزی هم به لحاظ ذهنی و هم به لحاظ عینی برکانونی‌سازی دیدگاه‌های منطقه‌ای و جلب و جذب آن‌ها به سوی مرکز تاثیر داشته‌اند. واحدهای پیرامونی ایران در شرایط استقرار دولت مرکزی قوی اطاعت دولت مرکزی را می‌پذیرفته و خود را جزئی از ترکیب جغرافیایی دولت می‌دانسته‌اند.

۸- تهدیدات خارجی: تهدیدات بیرونی، چه در شکل نظامی و امنیتی و چه در شکل فرهنگی و چه با ایجاد مخاطره برای حیثیت و شان ملی، همگرایی تهدید شونده‌گان را افزایش می‌دهد و آن‌ها را به اتحاد برای دفاع از خود وادار می‌کند (حافظ نیا، ۱۳۸۱: ۱۸۱).

### تاریخچه پان‌ترکیسم

پیدایش اندیشه پان‌ترکیسم به دوران امپراطوری عثمانی و نیز حضور در اقصی نقاط جهان از جمله قفقاز برمی‌گردد. عوامل مختلفی باعث گسترش نفوذ امپراطوری عثمانی در منطقه قفقاز شده از جمله اینکه بسیاری از ساکنان این منطقه مسلمان و ترک زبان هستند و اشتراکات مذهبی، زبانی و نقش آن در نزدیک شدن اقوام ساکن قفقاز به امپراطوری عثمانی، به خلیفه عثمانی امکان داد تا در قفقاز نقش اصلی ایفا کند. امپراطوری عثمانی می‌کوشید با افزایش نفوذ در قفقاز در عین حالی که با گسترش روسیه مقابله می‌کند همزمان از یک سو از نفوذ ایران در منطقه و گسترش مذهب شیعه جلوگیری کند و از سوی دیگر آرامنه طرفدار ایران را که به علت سیاستهای شوونیستی و ضد ارمنی امپراطوری عثمانی مخالف این کشور بودند، کنترل کند (کاظمی، ۱۳۸۵: ۲۴).

انقلاب ترک‌های جوان در سال ۱۲۸۷ هجری شمسی را می‌توانیم سرآغاز دوره جدیدی از زمینه‌سازی حاکمیت و سلطه لائیسزم بر امپراطوری عثمانی بدانیم که عمدتاً از افکار و اندیشه‌های اروپایی غربی الهام گرفته بود. پرچمداران و رهبران این انقلاب تماماً غرب‌زده یا برآمده از سیستم آموزشی غرب بودند و بسیاری از رهبران آن ارتباط مرموزی با محافل امپراطوری و صهیونیستی داشتند. از نظر فکری ترک‌های جوان خودباخته بودند و برای نخستین بار به جای آرمان وحدت جهان اسلام، مکتب وارداتی ناسیونالیسم را وارد امپراطوری عثمانی کردند، زیرا ایده‌ها و افکار ترک‌های جوان عمدتاً از منتسکیو، روسو و دیگر اقتباس شده بود. ضیاء گوگ آلف از اندیشمندان و تئوریسین‌های ناسیونالیسم و شوونیسم ترکی ترکیه در این دوره است، اصرار داشت که نه فقط فناوری و فرآورده‌های صنعتی، بلکه باید روح و نظام و ارزش‌های غرب را به طور کامل اقتباس کرد و ارزش‌های کهنه سنتی اسلامی را دور ریخت، ولی در



عین حال ملیت ترک و پان ترکیسم و اساطیر و افسانه‌های کهن ترک‌های پیش از اسلام نیز باید احیا شود. یهودیان عثمانی و غربی نیز نقش عمده‌ای در پدید آوردن و به ثمر رسیدن حرکت ترک‌های جوان داشتند، زیرا سرمایه داران یهودی اروپای غربی، در تشکیلات قدرتمندی به نام صهیونیسم متشکل شده بودند (فلاح، ۱۳۹۰: ۱۵۱).

پس از پایان جنگ سرد و فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و تاسیس پنج جمهوری ترک و آذری‌نشین در قفقاز و آسیای مرکزی بار دیگر اشتیاق ملی‌گرایان ترک برای تحقق طرح پان ترکیسم به عنوان ابزار نفوذ در مناطق ترک زبان جدا شده از شوروی افزایش یافت و این برنامه در عین حال به دلایل متعددی مناطق آذری‌نشین ایران را نیز هدف گرفت. اولین نمود رشد گرایش‌های پان‌ترکیستی در ترکیه بازگشت حزب حرکت ملی به صحنه سیاسی و در جمهوری آذربایجان فعالیت جبهه خلق بود. حزب ملی‌گرای «حرکت ملی» به اتهام فعالیت غیر قانونی در دهه هشتاد فعالیتش ممنوع شده بود، اما پس از فروپاشی شوروی، دولتمردان ترکیه سعی داشتند که با تبلیغات پان‌ترکیستی، جمهوری‌های تازه استقلال یافته را که دارای استراتژی مشخصی نبودند، به سوی خود جلب کند. تورگورت اوزال رئیس جمهوری وقت ترکیه چنین سیاستی را عجولانه در راس برنامه‌های خود قرار داد. او متعهد بود که پس از فروپاشی شوروی، ترکیه باید نقش امپراطوری عثمانی را در منطقه ایفا کند و در این راستا باید فرهنگ ترکی خود را به کشورهای برادر صادر کند و گرنه بزرگ‌ترین اشتباه تاریخی خود را مرتکب شده است.

مهم‌ترین هدف ترکیه از طرح تبلیغات پان‌ترکیستی، ایجاد یک منطقه نفوذ ترک زبان بود تا برای مدتی طولانی رهبری سیاسی و اقتصادی آنکارا بر این کشورها حفظ شود و ترکیه از این طریق بر ذخایر عظیم منطقه دسترسی یابد. ترکیه با ارائه چنین مدلی سعی داشته که از یک سو از گرایش جمهوری‌های تازه استقلال یافته به ایران و پذیرش مدل حکومتی مبتنی بر اندیشه سیاسی اسلام جلوگیری کند و از سوی دیگر نفوذ روسیه را در منطقه کاهش دهد و در عین حال بتواند با ایجاد نارضایتی در مناطق آذری‌نشین ایران از آن در چانه‌زنی‌های سیاسی استفاده کند. دولت آنکارا در این اهداف با غرب هم عقیده بود و به همین جهت نیز توانست حمایت‌های ضمنی غرب را به دست آورد (کاظمی، ۱۳۸۵: ۳۸).

### **مبانی تئوریک سیمای فرهنگی قوم محور ترکیه (پان ترکیستی)**

سیمای فرهنگی قوم محوری ترکیه بیشتر توجه‌اش به ایجاد یک هویت سیاسی از طریق متحد کردن ترک زبان‌های منطقه آسیای مرکزی و قفقاز است که در قالب تئوری

پان ترکیسم قابل تفسیر است. به عبارتی پان ترکیسم یک الگو و یا آرمان فرهنگی است که نتیجه آن به یک عقیده سیاسی منجر می شود و مبتنی بر اتحاد کلیه اقوام و ملل ترک نژاد آسیای مرکزی و قفقاز است.

هدف پان تورانیسم در آغاز اتحاد سیاسی همه ترکان، تاتارها و فینیقیان اویغوری بود. به رغم اینکه بیشتر محققان، چندان تفاوتی بین این دو تفکر قائل نمی باشند اما پان تورانیسم در جهت اثبات سیاسی توسعه طلبانه ترک ها نسبت به اقوام ترک زبان عمل می کند. پان تورانیسم مبلغ اندیشه تاسیس کشور توران بزرگ است که از اقیانوس کبیر تا اسکاندیناوی و دریای مدیترانه کشیده شده است (فلاح، ۱۳۹۰: ۱۱۴). به نظر می رسد مشخصه مهم پان ترکیسم، تصور سرزمینی فراتر از ترکیه برای ترکان و تلاش برای ایجاد سرزمینی واحد برای آنان در دنیاست. چنانچه ضیاء گوگ آلپ می نویسد: "وطن ترکان نه ترکیه و نه ترکستان، بلکه وطن ترکان کشور بزرگ و جاودانی توران است". لذا جهت رسیدن به ایدئولوژی پان ترکیسم این هدف باید در سه مرحله تحقق یابد:

#### ۱. پان ترکیسم:

ایدئولوژی پان ترکیسم تنها از طریق حضور یک ترکیه قوی می تواند تحقق یابد. برای اینکه ترکیه بتواند نقش خود را به خوبی ایفا کند باید بافت آن یکپارچه ترک شود. ملل دیگر باید یا ترک شوند. هدف این موضوع باز کردن راهی به طرف شرق جهت ایجاد یک حکومت آغوزی بود.

#### ۲. آغوزیت:

مرحله دوم ایجاد یک حکومت آغوزی است. اتحاد و همبستگی ترکمن ها، ترکیه، آذربایجان، ترکمنستان و آذربایجان ایران باید آغوزستان فردا را تشکیل دهد.

#### ۳. تورانیسم:

ایجاد یک دولت متحد و مستقل تورانی که شامل تمامی اقوام تورانی می شود (کاظمی، ۱۳۸۵: ۱۱۵).

### ارتباط پان ترکیسم و پان آدریسم

برخی از صاحب نظران، پان آدریسم را موضوعی متفاوت از پان ترکیسم می دانند و برخی دیگر نیز معتقدند پان آدریسم منبعت از پان ترکیسم است، آنچه مسلم است اینکه آدری بودن و ترک بودن دو مقوله جدا از یکدیگر هستند و در نتیجه نمی توان این دو را یکسان تلقی کرد، اما پس از فروپاشی شوروی ترکیه تلاش کرده این دو را یکی نشان دهد و در این راستا تاکید برخی محافل سیاسی جمهوری آذربایجان بر مسئله آدری به جای ترکی، با ناخرسندی ترکیه مواجه شده است. همچنین سابقه

پان ترکیسم به دوران عثمانی بر میگردد، اما سابقه پان آدریسم نهایتاً به دوران تاسیس اولین جمهوری آذربایجان در سال ۱۹۱۸ برمی گردد. درحالیکه پان آدریسم بیشتر اتحاد آذری‌های و به اصطلاح آذربایجان بزرگ را مد نظر قرار میدهد، پان ترکیسم مسئله ایجاد ترکستان بزرگ را مورد توجه قرار داده است. آنچه مسلم است اینکه پان ترکیست‌ها نیز مانند پان آدریست‌ها اولین عامل در اتحاد را زبان می‌دانند و به عوامل دیگری از قبیل مذهب، آداب و رسوم، تاریخ مشترک و وطن مشترک اهمیت نمی‌دهند.

ناظران سیاسی معتقدند پان ترکیست‌ها اجرای اهداف پان آدریسم را گامی جهت تحقق ایده‌های پان ترکیستی می‌دانند. جریان پان آدریسم، رهبری و حرکت مستقل برای خود ندارد، بلکه توسط پان ترکیست‌ها و محافل ملی‌گرای ترکیه هدایت می‌شود.

### **اهداف ترکیه و جمهوری آذربایجان از دامن زدن به پدیده پان ترکیسم**

باید گفت پان ترکیسم بیشتر به مثابه یک ابزار سیاسی برای ترکیه است. ترکیه به ویژه پس از فروپاشی شوروی و استقلال دولت‌های ترک‌زبانی نظیر جمهوری آذربایجان، ازبکستان، ترکمنستان، قرقیزستان، قزاقستان با طرح شعارهای پان ترکیستی کوشید نفوذ سیاسی و اقتصادی خود را در این کشورها به منظور افزایش نقش منطقه‌ای و جهانی خود افزایش دهد. از سوی دیگر این گونه تبلیغات ترکیه می‌کوشد با دادن شعارهای پان ترکیستی و تقویت محافل شووینیستی در آن دسته از کشورهایی که اقوام ترک زبان دارند، از این موضوع به عنوان یک اهرم فشار علیه آن دولت و به عنوان یک برگ امتیاز در چانه‌زنی‌های سیاسی استفاده کند. ترکیه از مسئله ترک‌ها در روابطش با بلغارستان، روسیه و حتی چین استفاده می‌کند. ایران نیز از این قاعده ترکیه مستثنی نیست، به ویژه اینکه ترکیه مرز طولانی و قابل توجهی با استان‌های آذری‌نشین ایران دارد و به علت نوع روابطش با ایران به ویژه با توجه به تحریکات رژیم صهیونیستی و آمریکا می‌کوشد تحریکاتی در میان آذری‌نشین‌های ایران به وجود آورد. در این راستا حمایت از مطبوعاتی که به صورت خواسته یا ناخواسته مسائل قومی را به صورت افراطی مطرح می‌کنند و حمایت از محافل شووینیستی در راس سیاست‌های ترکیه در این خصوص قرار دارند.

بسیاری از ناظران سیاسی منطقه معتقدند که ترکیه تلاش دارد با تقویت ایده پان ترکیسم، زمینه را برای رسیدن به اهداف اقتصادی و سیاسی دراز مدت خود در منطقه قفقاز و آسیای مرکزی فراهم کند. از نظر مقامات آنکارا، جمهوری آذربایجان بنا به قرابت‌های زبانی، نژادی و فرهنگی که با ترکیه دارد محل نفوذ مناسبی جهت اجرای اهداف سیاسی و اقتصادی ترکیه در منطقه قفقاز و آسیای مرکزی است. (کاظمی، ۵۳).

الف): ترکیه

- این کشور می‌کوشد با به وجود آوردن یک منطقه بزرگ ترک زبان بر کشورهای بیشتری رهبری نماید؛

- ترکیه در راه پیوستن کامل به اتحاد اروپا می‌خواهد از رهبری بر کشورهای ترک زبان در پیوستن به اتحادیه اروپا بهره‌برد و تاثیرگذاری خود را به اتحادیه اروپا گوشزد نماید؛

- ترکیه با اشاعه پان‌ترکیسم می‌خواهد به هدف اصلی خود که همانا منابع سرشار انرژی موجود در قفقاز و آسیای میانه است، برسد؛

- ترکیه می‌خواهد از پان‌ترکیسم در منطقه از نفوذ ایدئولوژی اسلامی ایران و از تحركات سیاسی روسیه جلوگیری کند تا خود یکه‌تاز عرصه رقابت منطقه گردد و درگیر نفوذ و قدرت بزرگ منطقه‌ای دیگر نشود. کشورهای غربی و مخصوصاً آمریکا نیز ترکیه را در دامن زدن بیشتر به پان‌ترکیسم که به نوعی نفوذ فرهنگی سیاسی ایران و روسیه را مهار کند، ترغیب می‌کنند و اگر با منافع آن‌ها در تضاد باشد از آن جلوگیری خواهند کرد (بخشی‌پو، ۱۳۸۹: ۱۱۰).

ب): آذربایجان

جمهوری آذربایجان در زمینه تضعیف وحدت ملی ایران و تقویت موضع خود در ارتباط با گسترش اندیشه پان‌ترکیسم در تمامی ابعاد آن فعالیت می‌کند. در این راه ترکیه و محافلی از آذری‌های ایرانی در تبعید، احزاب و تشکل‌های قوم‌گرای آذری را یاری می‌رسانند. دایره فعالیت آنان بسیار گسترده است و از رسانه‌های گروهی همچون تلویزیون‌های ماهواره‌ای، سایت‌های اینترنتی، روزنامه‌های خصوصی، مجلات تخصصی و علمی، کتاب‌های درسی، مقالات تحلیلی و دیگر آثار مکتوب، گردهمایی و همایش‌ها در داخل و خارج جمهوری آذربایجان بهره می‌گیرند. دولتمردان آذربایجان نیز در ابتدای شکست در جبهه قره‌باغ با استفاده از فرصت‌های از دست رفته، ناکامی‌های خود را نه بر اساس نبود استراتژی نظامی و مدیریت درست منابع در اختیار بلکه در کمک ایران به آرامنه و میانجی‌گری ایران در جنگ قره‌باغ، نسبت می‌دهند. به همین سبب زمینه‌ای برای تبلیغات در بین مردم نا آگاه خود پدید آورده و از آن بهره می‌گیرند (وصالی مزین، ۱۳۹۰: ۱۰۹).

### رابطه پان ترکیسم و اسلام ستیزی

آنچه مسلم است اینکه میان اصول اسلامی با قوم‌گرایی افراطی رابطه معکوسی وجود دارد. در نتیجه هر چقدر اصول اسلامی در ترکیه و آذربایجان گسترش پیدا کند، زمینه برای فعالیت‌های پان ترکیستی و پان‌آذریستی محدود خواهد شد. این موضوع یکی از دلایل اسلام ستیزی سیستماتیک در ترکیه و جمهوری آذربایجان است. این روند زمانی تشدید می‌شود که به دلایل مختلف، دیگر کشورهای غربی و محافل لائیک نگران رشد اسلام‌خواهی در ترکیه و جمهوری آذربایجان هستند و از این جهت آن‌ها نیز در این موضوع همسو با پان‌ترکیست‌ها و پان‌آذریست‌ها عمل می‌کنند. تحولات پس از فروپاشی شوروی نشان داده است که هدف اساسی جمهوری آذربایجان در خصوص ایران تضعیف شیعه‌گری است، زیرا می‌داند مسلمانانی که نگاهش در آن سوی مرز به مرجع تقلید است در آینده خطری برای این نوع حکومت است. باید گفت ایجاد یک حکومت لائیک و غیر دینی در جمهوری آذربایجان از سوی محافل ترکیه و غرب گرا دنبال می‌شود و این روند مورد حمایت محافل پان‌ترکیستی و پان‌آذریستی نیز است. تلاش نخبگان غرب‌گرا برای پیاده کردن یک مدل حکومتی لائیک همانند ترکیه، خود یکی از عوامل محدود شدن فعالیت‌های اسلامی در جمهوری آذربایجان شده است (کاظمی، ۱۳۸۵: ۵۵).

### محورها و اقدامات تبلیغی پان ترکیستی و پان آذریستی

#### ۱- تحریف تاریخ

یکی از محورهای فعالیت پان‌ترکیست‌ها و پان‌آذریست‌ها تحریف تاریخ است. به ویژه تحریف تاریخ ایران پس از فروپاشی شوروی در جمهوری آذربایجان به صورت سیستماتیک توسط پان‌ترکیست‌ها پیگیری می‌شود و این موضوع حتی به کتب درسی مدارس و دانشگاه‌ها نیز رسیده است. عمده محور این تحریف ادعای وجود یک آذربایجان مستقل تاریخی است که بخشی از شمال غرب ایران، روسیه، گرجستان و ارمنستان را شامل می‌شود و این به اصطلاح آذربایجان مستقل تاریخی از نظر جاعلین تاریخ طی قرار داد ۱۸۲۸ ترکمچای توسط دو قدرت استعمارگر روسیه و به اصطلاح ایران به دو بخش تقسیم شده است که بخش شمالی آن جمهوری آذربایجان است که اکنون مستقل شده و بخش به اصطلاح جنوبی آن آذربایجان ایران است.

#### ۲- همسویی با خواسته‌های قدرت‌های بزرگ در منطقه

یکی از ویژگی‌های فعالیت پان‌ترکیست‌ها، همسویی آن‌ها با خواسته‌های قدرت‌های بزرگ در منطقه است، به طوری که پان‌ترکیست‌ها از مسائلی نظیر تخریب روابط ایران با جمهوری آذربایجان و ترکیه تا مسائلی نظیر حق نداشتن ایران برای فعالیت‌های صلح‌آمیز هسته‌ای، تغییر حکومت در ایران و حمله واشنگتن به ایران از آمریکا

حمایت می‌کنند. جلوگیری از تحکیم همکاری‌های منطقه‌ای از جمله اهدافی است که پان‌ترکیست‌ها آن را دنبال می‌کنند، چرا که این همکاری‌ها مانع از حضور سازمان‌ها و قدرت‌هایی نظیر آمریکا، رژیم صهیونیستی و پیمان ناتو در منطقه قفقاز می‌شود.

۳- تلاش برای ایجاد درگیر میان آذری‌ها و ارمنه ایران یکی از مهم‌ترین محورهای فعالیت پان‌ترکیست‌ها، تلاش برای ایجاد درگیری میان آذری‌ها و ارمنه ایران است. در واقع از این طریق می‌کوشند جنگ آذربایجان و جمهوری ارمنستان را به داخل ایران بکشانند. جمهوری آذربایجان به دلیل درگیری با ارمنه بر سر مناقشه قره‌باغ و ترکیه به دلیل مشکلات تاریخی و مسئله کشتار ۱۹۱۵ ارمنه با ارمنستان، از ایده درگیری میان آذری‌ها و ارمنه ایران حمایت می‌کند. در این راستا نیز گاه مطبوعات جمهوری آذربایجان به ویژه به بهانه‌هایی نظیر سالروز کشتار ارمنه در سال ۱۹۱۵ و سالروز کشتار خوجالی، مدعی درگیری آذری‌ها و ارمنه در ایران می‌شوند. این در شرایطی است که این تحولات هیچ ربطی به آذری‌ها و ارمنه ایران ندارد (کاظمی، ۱۳۸۵: ۱۹۱).

### مقاومت‌های منطقه‌ای به سیمای پان‌ترکیستی ترکیه

سیمای فرهنگی نژاد محور ترکیه در همان سال‌های اول با چالش‌هایی از طرف کشورهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای مواجه شد. این الگو که با عنوان پان‌ترکیسم از آن یاد می‌شود موجب ناخرسندی دو دسته از کشورها شد. اول آن دسته از کشورهای که اقلیت ترک هستند و در نتیجه سیاست‌ها و تبلیغات پان‌ترکیستی را علیه تمامیت ارضی خود قلمداد می‌کنند. در این خصوص می‌توان به ایران، روسیه، گرجستان، چین و بلغارستان اشاره کرد. کشورهای دسته دوم، کشورهای هستند که خود را در طول تاریخ قربانی پان‌ترکیسم می‌دانند و در این راستا می‌توان به ارمنستان و بخش یونانی نشین قبرس اشاره کرد. نکته مهم اینکه کشورهای ناخرسند از پان‌ترکیست عمدتاً به دلیل ملاحظات دیپلماتیک معمولاً تا حد ممکن از موضع‌گیری آشکار در این خصوص خودداری می‌کنند. ولی رفتار این کشورها مانند اقدام سال ۱۹۹۹ چین در فروش موشک‌های تایفون به ارمنستان به خوبی ناخرسندی این کشورها را از سیاست‌های پان‌ترکیستی و پان‌آذریستی نشان می‌داد (فلاح، ۱۳۹۰: ۱۱۸).

### روسیه

فدراسیون روسیه با توجه به داشتن جمهوری‌های ترک نشین خود مختار، از جمله چچن، اینگوش، تاتارستان، داغستان و احساسات شدید جدایی‌طلبانه اغلب مردم این جمهوری‌ها بیشترین آسیب‌پذیری را در مقابل سیاست‌های پان‌ترکیستی ترکیه دارد

روسیه را می‌توان آسیب‌پذیرترین کشور در مقابل سیاست‌های ترکیه دانست.

### چین

چین نیز به علت داشتن استان‌های ترک‌نشین سین کیانگ، نینگ شیا، و کانسو در همسایگی کشورهای ترک‌زبان قزاقستان و قرقیزستان، از لحاظ امنیتی از تبلیغات پان ترکیستی ترکیه ناخرسند است. سیاست‌های پان‌ترکیستی ترکیه از دریای آدریاتیک تا ایالت سین کیانگ چین را در بر می‌گیرد، لذا طبیعی است که پکن نسبت به اهداف ترکیه در منطقه شدیداً بدبین باشد.

### ایران

ایران نیز به دلیل حضور آذری‌ها و نیز همسایگی با ترکیه و جمهوری آذربایجان نسبت به تبلیغات پان‌آدریستی و پان‌ترکیستی حساس می‌باشد. به ویژه اینکه هم شرایط جغرافیایی آسیب‌پذیری ایران در این خصوص را زیاد کرده است و هم اینکه جمهوری آذربایجان و ترکیه با تحریک آمریکا و رژیم صهیونیستی در روند تبلیغات پان‌ترکیستی بیشتر روی ایران تمرکز کرده‌اند. موضع‌گیری اغلب گروه‌ها و احزاب پان‌ترکیستی عمدتاً علیه ایران می‌باشد و کمتر از کشورهای دیگر سخن به میان می‌آید. در چنین شرایطی طبیعی است که ایران نیز نسبت به نفوذ بیشتر ترکیه در منطقه قفقاز و ترویج تفکرات پان‌ترکیستی حساسیت شدیدی از خود نشان داده و آن را برای منافع امنیتی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی خود خطرناک قلمداد کند.

می‌توان گفت روابط آنکارا و تهران نه تنها در گذشته بلکه در آینده نیز در چارچوب رقابت و همکاری قابل تعریف است. به عقیده ایران نفوذ بیش از حد معمول ترک‌ها در جمهوری آذربایجان و طرح مسائل پان‌ترکیسم برای امنیت ایران به مخاطره آمیز بوده و موجب تشدید احساسات ملی‌گرایی و مطرح شدن جدایی استان آذربایجان ایران و وحدت به اصطلاح دو آذربایجان می‌گردد. به جرات می‌توان گفت، جمهوری آذربایجان تبدیل به مرکز منطقه‌ای فعالیت پان‌آدریست‌ها و پان‌ترکیست‌ها شده است و ده‌ها گروهک پان‌آدریستی ضد ایران در جمهوری آذربایجان فعالیت می‌کنند و هر روزه برخی از محافل شوونیست در جمهوری آذربایجان در اقداماتی مداخله جویانه برای آذری‌های ایران تعیین تکلیف می‌کنند (فلاح، ۱۳۹۰: ۱۱۹).

### پان‌ترکیسم و آمریکا

آمریکا یکی از مهم‌ترین حامیان ترویج اندیشه‌های پان‌ترکیستی و پان‌آدریستی در منطقه است و در این راستا قوانین بسیاری وجود دارد که حاکی از کمک مالی آمریکا به

گروه‌های پان‌ترکیستی است. واقعیت این است که قفقاز به عنوان منطقه‌ای استراتژیک و دارای ذخایر عظیم انرژی که در بین ترکیه و روسیه و ایران قرار گرفته است، شناخته می‌شود. غرب امیدوار است که در قرن بیست و یکم با استفاده از ضعف کشورهای منطقه در منطقه ماورای قفقاز حضور اقتصادی، سیاسی، نظامی خود را تثبیت کند. در این شرایط حمایت از پان‌ترکیسم از اهداف دست اول سازمان‌های اطلاعاتی آمریکا و ترکیه در قفقاز است، به طوری که آمریکا در اهداف و غایات راهبردی جدید خود، برای ترکیه سیاست مدرنیزه شده پان‌ترکیسم نقش کلیدی قائل است، چرا که برقرار ارتباط زمینی بین ترکیه و بخش عمده جمهوری آذربایجان می‌تواند پیامد مهمی را به دنبال داشته باشد. در نبودن این ارتباط سرزمینی، گسترش زیر بنای نظامی ناتو به سوی قفقاز و اجرای برنامه‌های پان‌ترکیستی می‌تواند با مشکلات فراوانی روبه‌رو شود (کاظمی، ۱۳۸۵: ۲۱۴).

#### موانع سیاست‌های پان‌ترکیستی

باید گفت سیاست‌های پان‌ترکیستی در روند اجرای خود با موانع عمده‌ای روبه‌رو هستند. این موانع را می‌توان به موانع جغرافیایی، ملی، منطقه‌ای، و فرمانطقه‌ای تقسیم کرد.

##### - موانع جغرافیایی

باید گفت پان‌ترکیست‌ها در شرایطی با تشکیل ترکستان بزرگ از دریایی آدریاتیک تا سین یانگ چین تاکید دارند که ارتباط جغرافیایی پان‌ترکیسم عملاً توسط ارمنستان و کوهستان‌های زنگزور بریده شده است، به طوری که نخجوان عملاً منطقه برون‌گان جمهوری آذربایجان کوشیده‌اند با دامن زدن به مسائل قومی در ایران ارتباط جغرافیایی پان‌ترکیسم را از طریق آذربایجان ایران برقرار کنند، اما در این سیاست خود موفق نبوده‌اند. در این راستا نیز هدف عمده پان‌ترکیست‌ها در حال حاضر این است که مناقشه قره‌باغ را طوری حل کنند که با جابجایی اراضی، ارتباط جغرافیایی پان‌ترکیسم، برقرار شود. در این راستا نیز طرح گویل مطرح شده است که بر اساس آن بخشی از قره‌باغ به ارمنستان ملحق می‌شود، از جمله دالان لاجین و در مقابل دالان مگری به نخجوان، در اختیار جمهوری آذربایجان قرار می‌گیرد. این طرح علاوه بر پان‌ترکیست‌ها به شدت توسط آمریکا دنبال می‌شود. طرح گویل در صورت اجرا، چهره ژئوپلیتیکی منطقه قفقاز را به شدت تغییر می‌دهد. اجرای این طرح ارتباط ایران با ارمنستان را قطع می‌کند. از این رو شدیداً مورد مخالفت تهران قرار دارد. به دلیل همین تاثیر ژئوپلیتیکی آمریکا نیز از این طرح حمایت می‌کند (کاظمی، ۱۳۸۵: ۲۲۳).



## - موانع ملی

سیاست‌های پان ترکیزستی در جمهوری آذربایجان و ترکیه در شرایطی پیگیری می‌شود که مردم این کشورها با این سیاست‌ها مخالفند. این مخالفت نیز دلایل مختلفی دارد. اول اینکه، سیاست‌های پان ترکیزستی و پان آذریستی با آموزه‌های اسلامی مغایرت دارند. دوم اینکه، پیگیری سیاست‌های پان ترکیزستی نه تنها در سال‌های گذشته برای این کشورها نتایج مثبتی نداشته بلکه به علت کثیرالمله بودن این کشورها، بحران‌های قومی را ایجاد کرده است. در این راستا نیز بیش از ۹۰ درصد مردم جمهوری آذربایجان در همه پرسی اوت سال ۱۹۹۳ به پان ترکیزست‌های جبهه خلق رای منفی داده و آن‌ها را از قدرت ساقط کردند. به ویژه با توجه به آشکار شدن نقش قدرت‌های بیگانه در طرح ناسیونالیسم رادیکال قومی، افکار عمومی هر چه بیشتر از سیاست‌های پان ترکیزستی و پان آذریستی منزجر هستند و این موضوع یکی از مهم‌ترین موانع پیش‌برد سیاست‌های پان ترکیزستی است (کاظمی، ۱۳۸۵: ۲۲۹).

## - موانع منطقه‌ای

سیاست پان ترکیزستی در مسیر اجرای خود با مخالفت کشورهای منطقه نظیر روسیه، گرجستان، ایران و چین همراه است. روسیه مهم‌ترین رقیب ترکیه در منطقه قفقاز و آسیای مرکزی است و از ابزارهای مختلفی جهت خنثی کردن فعالیت‌های این کشور برخوردار است. مهم‌ترین ابزار روسیه حمایت از ارمنستان در منطقه قفقاز در قبال حمایت ترکیه از جمهوری آذربایجان است. ابزارهای دیگر نفوذ روسیه در این منطقه فشارهای نظامی، وابستگی‌های اقتصادی جمهوری‌ها، حمایت از ۲۵ میلیون روس تبار ساکن در قفقاز و آسیای مرکزی و تلاش برای روی کار آوردن مهره‌های وابسته و ایجاد بحران در این کشورها است. همکاری مشترک کشورهای مخالف پان ترکیزم نظیر همکاری مشترک ایران، روسیه و چین و به ویژه در چارچوب نهادهایی نظیر سازمان شانگهای نیز بی‌شک می‌تواند پیامدهای منفی زیاد و حتی جبران‌ناپذیری متوجه پان ترکیزست‌ها کند. تیرگی در روابط این جمهوری‌های به اصطلاح ترک زبان با ترکیه، از جمله دیگر موانع منطقه‌ای اجرای سیاست‌های پان ترکیزستی است. همچنین جمهوری آذربایجان بر سر چهار حوزه نفتی با ترکمنستان در دریای خزر اختلاف دارد که مهم‌ترین آن‌ها کپز یا سردار است (کاظمی، ۱۳۸۵: ۲۴۱).

## - موانع فرامنطقه‌ای

سیاست‌های پان ترکیزستی در روند اجرای خود با موانع فرامنطقه‌ای نیز مواجه هستند، از جمله اینکه نهادهای بین‌المللی به ویژه سازمان ملل بر اساس منشور خود با پیگیری

سیاست‌های قوم‌گرایانه افراطی مخالف است. در عین حال، روند جهانی شدن و نیز تمایل کشورهای نظیر ترکیه برای الحاق به اتحادیه اروپا عملاً با پیگیری مسائل قومی همخوانی ندارد، به‌ویژه اینکه کشورهای غربی به رغم اینکه مشوق سیاست‌های ترکیه در منطقه قفقاز و آسیای مرکزی هستند، ولی تبلیغات پان‌ترکیستی ترکیه در این مناطق تا آنجا برای آن‌ها پذیرفتنی است که نقش محدود کننده نفوذ سیاسی ایران و جلوگیری از بازگشت مجدد روس‌ها به منطقه را داشته باشد، اما در صورتی که مقاصد و سیاست‌های ترکیه به عنوان یک کشور صاحب هویت فرهنگی و مستقل مطرح شود، غرب واکنشی منفی و بازدارنده نشان خواهد داد.

همچنین منطقه‌گرایی و یوروآسیائیسیم نیز از جمله موانع پیشبرد سیاست‌های پان‌ترکیستی است. هدف دراز مدت اصلی پان‌ترکیسم آنست که وحدت ملیت‌های یوروآسیایی را که به لحاظ تاریخی شکل گرفته است، بی‌ثبات سازد، تجزیه نماید و از بین ببرد تا نژادهای ترک زبان که تنها بخشی از ملت‌های یوروآسیایی می‌باشند را به اصطلاح وحدت ببخشد. این در شرایطی است که ملت‌های یوروآسیا به عنوان تشکل ژئوپلیتیک واحد به دنبال همگرایی در روند جهانی شدن هستند. در نتیجه می‌توان گفت یوروآسیائیسیم دشمن شماره یک و استراتژیک پان‌ترکیسم می‌باشد. در حقیقت ترک‌های عثمانی و دیگر وارثان ترک زبان پیوندهای زیادی ندارند. تنها عامل وحدت، زبان می‌باشد. ولی تاریخ نشان می‌دهد که تعلق به یک گروه زبانی هیچ وقت مبنای تشکیل کشور واحد نبوده است. چنانچه از لحاظ تاریخی ایدئولوژی‌های پان‌اسلاویسم و پان‌آلمانیسم و غیره تهی و پوچ از آب در آمدند. یگانگی زبان به معنای یگانگی اصل و نسب وژنتیک نیست، به‌ویژه در خصوص ملت‌های ترک زبان.

در عین حال ترکیه در پیگیری سیاست‌های پان‌ترکیستی با چالشی جدی به نام مسئله کشتار ۱۹۱۵ ارامنه همراه است، چرا که ارمنستان شناسایی جهانی کشتار ۱۹۱۵ ارامنه توسط ترک‌های عثمانی را یکی از اولویت‌های سیاست خارجی خود قرار داده است که حتی در قانون اساسی ارمنستان بدان اشاره شده است. هدف این سیاست تحت فشار گذاشتن ترکیه منظور گرفتن امتیاز، وادار کردن ترکیه به عدم حمایت حتی ظاهری از جمهوری آذربایجان در مناقشه قره‌باغ و فراهم ساختن ادعای غرامت و زمین در صورت پذیرش مسئولیت حقوقی این کشتار از سوی ترکیه است. به نظر می‌رسد هر چه بیشتر بر مسئله پیشبرد سیاست‌های پان‌ترکیستی تاکید شود، مسئله شناسایی بین‌المللی کشتار ۱۹۱۵ ارامنه نیز به طور جدی‌تری مطرح خواهد شد. (کاظمی، ۱۳۸۵: ۲۴۳).

### پان ترکیزم و مناقشه قره باغ

اغلب ناظران سیاسی معتقدند جمهوری آذربایجان عملاً در مناقشه قره باغ هزینه سیاست‌های پان ترکیزمی و پان آدریستی را می‌پردازد. باید گفت تبلیغات پان ترکیزمی ترکیه و جمهوری آذربایجان در میان کشورهای ترک زبان قفقاز و آسیای مرکزی بیش از هر جا در جمهوری آذربایجان متمرکز شده است. تجربیات یک دهه گذشته به خوبی نشان داده‌اند که باکو در پای بندی به اصول پان ترکیزم متحد آنکارا است.

در واقع تلاش‌های ترکیه برای گسترش نفوذش در منطقه آسیای مرکزی و قفقاز و ترویج پان ترکیزم، با شک و تردیدهایی از جانب روسیه، ایران و چین و کشورهای غربی مواجه است. نکته حائز اهمیت اینکه تلاش‌های ترکیه جهت گسترش نفوذ خود در آسیای مرکزی و قفقاز و ترویج پان ترکیزم زمانی موفق خواهد بود که ترکیه بتواند در روند حل مناقشه قره باغ ارتباط جغرافیایی پان ترکیزم را برقرار سازد تا بتواند به آرمان خود، یعنی تشکیل امپراطوری ترک زبان، تحقق یابد. بنابراین دستیابی به این هدف مستلزم جلوگیری از شکست جمهوری آذربایجان در جنگ با ارمنستان است.

در چنین شرایطی نوع جهت‌گیری‌های ترکیه در منطقه آسیای مرکزی و قفقاز، به خصوص در خصوص مناقشه قره باغ، از سوی کشورهای روسیه، ایران، چین، و حتی کشورهای غربی خطر آفرین و تحریک کننده تلقی می‌شود. با توجه به احساسات شدید جدایی‌خواهی در بین جمهوری‌های ترک‌نشین فدراسیون روسیه، می‌توان روسیه را آسیب پذیر ترین کشور در مقابل سیاست‌های ترکیه دانست. این احساس باعث شده مسکو تحریکات ترکیه در مناقشه جمهوری آذربایجان و ارمنستان را خطر آفرین دانسته و سعی نماید حتی المقدور با حمایت از ارمنستان و تجهیز نظامی این کشور مانع دستیابی ترکیه به اهداف پان ترکیزمی‌اش در این مناقشه گردد.

ایران نیز نسبت به نفوذ بیشتر ترکیه در منطقه و طرح مسائل پان ترکیزمی حساسیت شدیدی از خود نشان داده و آن را برای منافع امنیتی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی خود خطرناک قلمداد می‌کند به عقیده ایران نفوذ بیش از حد معمول ترک‌ها در جمهوری آذربایجان و طرح مسائل پان ترکیزم برای امنیت ایران مخاطره آمیز بوده و موجب تشدید احساسات ملی‌گرایی و مطرح شدن جدایی استان آذربایجان ایران و وحدت به اصطلاح دو آذربایجان می‌گردد. بر این اساس ایران در قبال تلاش‌های ترکیه برای نفوذ در منطقه به جهت تصور تهدیداتی که می‌تواند وجود داشته باشد، نمی‌تواند بی‌توجه باشد. بنابراین طبیعی است که سیاست‌های ایران باید در راستای خنثی سازی اهداف و سیاست‌های ترکیه در منطقه باشد. در واقع پیگیری سیاست‌های پان ترکیزمی موجب تقابل منافع ترکیه، روسیه و ایران می‌شود و این موضوع نیز تاثیر منفی بر مناقشه قره باغ گذاشته و هزینه زیادی متوجه جمهوری آذربایجان می‌کند. حساسیت این موضوع از

این جهت است که می‌توان به این مجموعه، کشورهای دیگر نظیر چین را نیز اضافه کرد. چین از جمله کشورهایی است که نسبت به سیاست‌های پان‌ترکیستی ترکیه در منطقه آسیای مرکزی و قفقاز احساس خطر می‌کند. چنانچه مطرح شد سیاست‌های پان‌ترکیستی ترکیه از دریای آدریاتیک تا ایالت سین کیانگ چین را در بر می‌گیرد. لذا طبیعی است که پکن نسبت به اهداف ترکیه در منطقه شدیداً بدبین باشد. به رغم اینکه چین خود را چندان دخیل در مناقشه جمهوری‌های آذربایجان و ارمنستان در منطقه نمی‌داند، ولی به خوبی به این نگاه آگاه است که موقعیت جمهوری آذربایجان در جنگ با ارمنستان یا اجرای طول گویل تسهیل کننده راه‌های نفوذ ترکیه در منطقه آسیای مرکزی بوده که در نهایت باعث تهدید منافع اقتصادی، سیاسی و امنیتی چین خواهد شد. لذا طبیعی به نظر می‌رسد که پکن علاقه چندانی به حل مناقشه به نفع جمهوری آذربایجان نداشته باشد (کاظمی، ۱۳۸۵: ۲۴۱).

#### نتایج پان‌ترکیسم برای ترکیه

سیاست‌های پان‌ترکیستی همواره در سیاست خارجی و داخلی ترکیه پس از تاسیس جمهوری ترکیه در سال ۱۹۲۳ مورد توجه بوده است. به طوری که بسیاری اقدامات ترکیه از جمله تهاجم به بخش ترک‌نشین قبرس در سال ۱۹۷۰، گرفتن بندر اسکندرون از سوریه و نیز تبادل ارضی با ایران بر اساس قرار داد ۱۹۳۲ در چارچوب سیاست‌های پان‌ترکیستی صورت گرفته است.

برای سال‌های متمادی پیگیری سیاست‌های پان‌ترکیستی هاله‌ای از تنش و بی‌اعتمادی بر مناسبات ترکیه با کشورهای نظیر روسیه، ایران و چین ایجاد کرده و مانع همکاری‌های سازنده این کشورها شده است. ترک‌ها که خود برای سال‌های متمادی ام‌القرای جهان ترک را مطرح کرده‌اند، عملاً با ناخرسندی کشورهای اسلامی مواجه شده و نهایتاً نیز به رغم صرف هزینه‌های فراوان به خوبی دریافتند که پیشبرد سیاست‌های پان‌ترکیستی حتی به عنوان یک ابزار سیاسی برای آن‌ها فایده ندارد. به عنوان نمونه روسیه برای سال‌ها میزبان پ.ک.ک بوده است، تا این پیام را به آنکارا بدهد که نباید مسائل پان‌ترکیستی را که قفقاز شمالی و روسیه را تهدید می‌کند، پیگیری شود.

یکی از مهم‌ترین پیامدهای منفی پان‌ترکیسم برای ترکیه، تبدیل شدن مسئله کشتار ۱۹۱۵ ارمنه به عنوان یک چالش جدی برای آنکارا است. بسیاری از ناظران سیاسی یکی از علل مهم طرح شناسایی جهانی مسئله کشتار ۱۹۱۵ ارمنه به عنوان نسل‌کشی از سوی ارمنستان و لابی ارمنه جهانی را نگرانی‌هایی از سیاست‌های پان‌ترکیستی می‌دانند.

در واقع تبلیغات پان‌ترکیستی ترکیه بهانه‌ای به دست گروه‌های افراطی ملی‌گرای ارمنستان داده است تا با استناد به شواهد تاریخی مبنی بر قربانی شدن ارمنه از رهگذر

سیاست‌های پان ترکیستی ترکیه، مواضع افراطی خود را در دخل و خارج ارمنستان مشروع نشان دهند. در همین راستا ارامنه افراطی اشغال ۲۰ درصد از خاک جمهوری آذربایجان در مناقشه قره‌باغ را نوعی دفاع از خود در برابر گرایش‌های پان ترکیستی ترکیه و جمهوری آذربایجان اعلام می‌کنند.

نکته مهم اینکه سیاست‌های پان ترکیستی در داخل ترکیه نیز نه تنها وفاق ایجاد نکرده بلکه از یک سو موجب ناخرسندی مردم مسلمان ترکیه که مخالف ناسیونالیسم قوم‌گرایان هستند، و از سوی دیگر نیز موجب ایجاد بحران قومیت‌ها در ترکیه شده است. در واقع بسیاری از محققان، مسئله کردها را در ترکیه زائیده تفکرات پان ترکیستی عنوان می‌کنند، تفکراتی که حتی موجودیت کرد و اصلاً وجود اقلیت قومی در ترکیه را قبول ندارد و معتقد است که همه افراد در ترکیه ترک هستند، برخی اصیل و برخی کوهستانی، چنین تفکری باعث شده که برای دهه‌های متمادی مناطق کرد نشین ترکیه به محل عصیان در مقابل حکومت مرکزی تبدیل شود. اما پان ترکیست‌ها در ترکیه به جای ریشه‌یابی موضوع با ارتش و ایجاد حالت فوق‌العاده کوشیده‌اند این مسئله را حل کنند. اما این روش نه تنها نتیجه نداده بلکه روند را تشدید کرده و عملاً بر آرمان‌های ترکیه در جهت همگرایی با اتحاد اروپا تاثیر منفی گذاشته است، در چنین شرایطی نهایتاً به گذشت بیش از هشت دهه از تاسیس جمهوری ترکیه و پیشبرد تفکرات پان ترکیستی و همزمان با تشدید همگرایی ترکیه با اتحادیه اروپا نهایتاً بحث‌های جدیدی در ترکیه مطرح شده که نشان از تجدید در این روند پان ترکیستی است. با توجه به مجموعه شرایطی که ذکر شد، برخی از محافل پان ترکیستی ترکیه معتقدند، برای کمتر کردن هزینه‌ها باید روی تبلیغ سیاست‌های پان آذریستی در جمهوری آذربایجان و آذربایجان ایران متمرکز شد تا از یک سو عملاً تفکر پان ترکیسم تضعیف نشود و از سوی دیگر هزینه‌های احتمالی آن را جمهوری آذربایجان پرداخت کند (کاظمی، ۱۳۸۵: ۲۴۱).

### نتیجه‌گیری

سوال اصلی تحقیق این بود که پدیده پان ترکیسم چیست؟ و چگونه بر امنیت سیاسی جمهوری اسلامی ایران تاثیر دارد؟ و چرا از سوی ترکیه دامن زده می‌شود؟ پان ترکیسم و پان تورانیسم همگی مفاهیمی هستند که همواره در دو سه قرن اخیر در منطقه خاورمیانه، اوراسیا و آسیای مرکزی مطرح بوده است. پان ترکیسم عقیده سیاسی مبتنی بر اتحاد کلیه اقوام و ملل ترک نژاد آسیای مرکزی و قفقاز بوده و ترکیه می‌کوشد با دادن شعارهای پان ترکیستی و تقویت محافل شووینیستی در آن دسته از کشورهایی

که اقوام ترک زبان دارند، از این موضوع به عنوان یک اهرم فشار علیه آن دولت و به عنوان یک برگ امتیاز در چانه زنی‌های سیاسی استفاده کند. چنانچه ترکیه از مسئله ترک، که در روابطش با، روسیه و حتی چین استفاده می‌کند. ایران نیز از این قاعده ترکیه مستثنی نیست، به ویژه اینکه ترکیه مرز طولانی و قابل توجهی با استان‌های آذری‌نشین ایران دارد و به علت نوع روابطش با ایران به ویژه با توجه به تحریکات رژیم صهیونیستی و آمریکا می‌کوشد تحرکاتی در میان آذری‌نشین‌های ایران به وجود آورد.

در این میان، جمهوری آذربایجان با حمایت ترکیه سعی دارد با طرح شعار اتحاد به اصطلاح دو آذربایجان، فشار مضاعفی را بر ایران وارد سازد تا اولاً قدرت مانور ایران را کم کند و ثانياً امتیازهای متقابلی را به دست آورد. تحرکات پان‌ترکیستی اگر چه خطرات جدی برای ایران دارد اما هنوز در آن سطحی نیست که قدرت‌های مداخله گر خارجی رسماً از جدایی آذربایجان ایران حمایت کنند، اما معلوم نیست موضوع در همین سطح باقی بماند. برنامه ریزی بلند مدت آن‌ها در این است که بتوانند با ایجاد نارضایتی داخلی شریطی را فراهم کنند که مردم استان‌های آذری‌نشین ایران خودشان درخواست جدایی را مطرح کنند. تبلیغات وسیعی که در رسانه‌های گروهی آن‌ها می‌شود و تاثیرات فرهنگی که این رسانه‌ها در تغییر زبان و فرهنگ ایرانی-اسلامی مردم این مناطق دارد، نباید از نظر دور داشته شود.

پان‌ترکیسم در روند اجرای خود با موانع زیادی روبه رو است. این موانع شامل موانع جغرافیایی، ملی، منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای می‌شوند. اگر چه جمهوری آذربایجان و ترکیه هزینه‌های قابل توجهی برای پیشبرد اهداف پان‌ترکیستی و پان‌آذریستی صرف کرده‌اند، اما در کل این سیاست‌ها نتایج منفی برای دو کشور داشته است.

در کل می‌توان به این نتیجه رسید که آنکارا در هر مقطعی با توجه به اهداف و منافع خود مسئله پان‌ترکیسم را با شدت تمام مطرح می‌کند و در این مسیر از تحریک و حمایت آذربایجان غافل نبوده تا از یکسو مانع از تضعیف اندیشه‌های پان‌ترکیستی شده و از طرفی هزینه‌های احتمالی آن را آذربایجان پرداخت نماید لذا طرح این مسئله بر امنیت سیاسی جمهوری اسلامی ایران تاثیر منفی داشته و به نوبه خود می‌تواند یکی از موانع همگرایی بین ایران و ترکیه بوده و بر واگرایی تاثیر مثبت داشته باشد.

#### منابع:

آشوری، داریوش (۱۳۷۰)، دانشنامه سیاسی، تهران: نشر مروارید.

- احمدی، حمید (۱۳۸۳)، قومیت و قوم گرایی در ایران، تهران: انتشارات کیهان.
- امیر احمدی، هوشنگ (۱۳۷۵)، تهدیدهای امنیتی قفقاز، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۱۳.
- امیراحمدیان، بهرام (۱۳۸۴)، روابط ایران با جمهوری آذربایجان، تهران: وزارت امور خارجه.
- بخشی پور، حسین (۱۳۸۹)، تاثیرات پیوندهای ژئوپلیتیکی ایران و جمهوری آذربایجان، تهران: دانشکده فرماندهی و ستاد.
- تهامی، سید مجتبی (۱۳۸۲)، امنیت ملی و داکترین، سیاستهای دفاعی و امنیتی، جلد اول، تهران.
- کاظمی، احمد (۱۳۸۵)، پان ترکیسم و پان آدریسم، تهران: نشرابرار معاصر.
- حافظ نیا، محمدرضا (۱۳۸۱)، جغرافیای سیاسی ایران، تهران: سمت.
- طیبیان، محمد (۱۳۶۲)، تفکر سیاسی، تهران: انتشارات قومس.
- عمید، حسن (۱۳۶۰)، فرهنگ فارسی عمید، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- علی بابایی، غلامرضا (۱۳۸۲)، فرهنگ سیاسی، تهران، انتشارات آشیان.
- فلاح، رحمت الله (۱۳۹۰)، الگوهای فرهنگی ایران در آسیای مرکزی و قفقاز، تهران: مرکز مطالعات اندیشه سازان.
- فلاح، رحمت الله (۱۳۸۵)، چالش های پیش روی کشورهای مسلمان ترکیه، تهران: مرکز مطالعات اندیشه سازان.
- وصالی مزین، یوسف (۱۳۹۰)، چالش های پیش روی کشورهای مسلمان آذربایجان، تهران: مرکز مطالعات اندیشه سازان.
- معین، محمد (۱۳۶۰) فرهنگ فارسی معین، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- مهری، عباس (۱۳۸۰)، موانع همگرایی بین ایران و جمهوری آذربایجان و تاثیر آن بر امنیت ملی کشور، رساله دکتری دانشگاه عالی دفاع ملی، تهران .